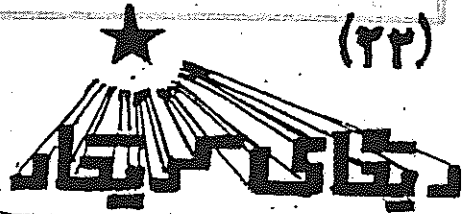


کتابخانه ایرانی هانوفر

3866

iranische Bibliothek in Hannover

(۲۲)



سازمان کارکنان انقلاب ایران (راه کارگر)
کمیته کردستان

سال دوم شماره بیست و دوم خرداد ۶۴

خودمختاری

فروانست و مگر اینک خنجر

صفحه ۲

طی عملیات دلیرانه پیشمرگان در منطقه یات

پایگاه "تاژه بان" تسخیر شد

در ایس عملیات :

- پیشمرگان سازمان کارکنان انقلاب ایران (راه کارگر) و حزب دمکرات کردستان ایران و چریکهای فدایی خلق ایران (ارتش رهایی بخش خلقهای ایران) شرکت داشتند .
- پایگاه "تاژه بان" بطور کامل به تسخیر پیشمرگان در آمد .
- ۶۴ تن از مزدوران بهلاکت رسید و ۱۶۰ تن دیگر به اسارت پیشمرگان درآمدند .
- مقنا د یسرزیادی سلاح و مهمات به دست پیشمرگان افتاد .
- یک ماشینب. توپوتای دشمن توسط پیشمرگان منهدم شد .

بقیه در صفحه ۱۴

در این شماره :

کدام پیروزی؟

صفحه ۲۵

اخبار جنبش

صفحه ۲۴

صفحه ۳۰

یاخ به نامه ها

حکومت شورائی

آزادی ، استقلال

خودمختاری

خلق کرد سائین د رازی است که از ستم ملی همه جانبه ای رنج می برد. این واقعیت است انکارناپذیر. مبارزات متناوب چهل ساله گذشته و برجسته تر از همه جنبش جاری خلق کرد برای حل مسئله ملی جایی برای انکار این واقعیت باقی نمیگذارد. اما مسئله تهادیدن واقعیت نیست. باید واقعیت را بطور دقیق و همه جانبه مورد شنایایی قرار داد و در جهت تغییر مثبت آنها همست گذاشت. همینجاست که بررسی بسیاری از مقولات مطروحه و مهتر از آن نشان دادن راه تغییر مثبت شرایط و رهائی خلق کرد از زوایای مختلف ضرورت می یابد. بررسی نقش د مکراس در رهائی خلق کرد و راه دسترسی به آن یکی از زوایای است که میتواند به مسئله نزدیک شود.

خلق کرد خواهان رهائی از ستم ملی است و رهائی از ستم ملی را نیز دریونند و او طلبانه با دیگر خلقهای ساکن ایران و کسب خود مختاری در این چهارچوب جستجو میکند. خود مختاری مقدمه است در چهارچوب خلق ملل در تعیین سرنوشت خویش میگذرد. حق آزادی ملل در تعیین سرنوشت نیز بنوبه خود یکی از پایه های ترین حقوق د مکراتیک است. بدون اعتقاد

راسخ به حق مسلم ملل در تعیین سرنوشت خویش نمیتوان مدعی اعتقاد به د مکراسی بود. در تعیین حال نمیتوان بنیاید حقوق د مکراتیک را مشروط بود به ترتیب متحد و ش نمود. بنابراین باید خواست خودمختاری از طرف خلق کرد را بدون قید و شرط پذیرفت. این در عین حال بدین معنی است که خلق کرد هر سرنوشت دیگری را برای خود تعیین نماید در چهارچوب اعتقاد به د مکراس، پذیرش آن ضروری خواهد بود. ام از اینکه خواست پیوند بدون قید و شرط با خلقهای دیگر ساکن ایران باشد یا خواهان استقلال کامل البته این بدان معنی نیست که در صورت نادرست دانستن خواست همه خلقها منجمله خلق کرد نمیتوان و نباید به تبلیغ و ترویج راه واقعی رهائی آن در جهت اصولی و درست پرداخت. چراکه آزادی عقیده، بیان و قلم از دیگر اصول و حقوق پایه ای د مکراس اند.

اما اگر برای بررسی و حل مسئله خلق کرد از زاویه د مکراس وارد شده ایم باید روشن کنیم که اولاً چرا خلق کرد به تنهایی نمیتواند به د مکراسی رهائی دست یابد ثانیاً دریونند با خلقهای دیگر ساکن ایران برای ایجاد ایرانی د مکراتیک و آزاد چه نقش میتواند و باید داشته باشد. مادر مقاله «سرنوشت ما برای رهائی خلق کرد» مندرج در شماره های ۲ و ۳ و ۴ همین نشریه

مجله بسط مبارزه طبقاتی و تأمین هم‌زمانی پروتاریا از کانال دادن یا سخند مکرراتیست. و اصولی به این مسئله محوری امکانپذیر است. مجموعه همین شرایط است که باعث گردید ه خلق قهرمان کرد برای رفع محرومیت اجتماعی کسب آزادی و رفع ستم ملی هر زمان که فرصتی یافته و در اشکال و سطوح مختلف بر علیه دولت های ستمگر مرکزی قیام نمود و دست به مقاومت و مبارزه زد و است. همین مجموعه شرایط از طرفی دیگر ضجر به عقب ماندگیهای اقتصادی و اجتماعی شده و بدلیل این عقب ماندگیها خلق کرد به تنهایی با اشکالاتی بمراتب بیشتر میتواند زمینه های مساعدی و بالنتیجه زمینه های معنوی د مکراس و آزادی را فراهم آورد. بنا بر این خواست خود مختاری نه تنها از زاویه احترام و اعتقاد به حقوق حقه خلق کرد بدون هیچ پیش شرطی مورد قبول واقع شود بلکه به لحاظ انطباقی که با الزامات واقعی رهایی و رسیدن به آزادی و د مکراسی خلق کرد دارد باید مورد تأیید و تبلیغ قرار گیرد.

اما اگر رهایی خلق کرد به تنهایی فوق العاده مشکل است و بدون استقرار د مکراس واقعی (تود های و وسیع) در سراسر ایران نیز رهایی آن ممکن نمی شود. از طرف دیگر ایران رها از استبداد بدون پیوند با و طلبانه خلقهای ساکن این مرز و بوم امکان ندارد.

بطور مفصل در این باره توضیح داد ایم. بنا بر این در اینجا به اشاره ای کوتاه بپردازیم. نقش عظیم دولتی اقتصاد و نقش عظیم درآمد های نفتی و وابستگیهای عمیق اقتصادی به بازار جهانی سرمایه و ویژگیهای رشد و گسترش سرمایه داری ایران هستند که نقش خود را در کردستان و در ستم ملی به خلق کرد به جای گذاشته اند. عدم رشد صنایع باعث عقب ماندگی اقتصادی و مانع از رشد طبقه کارگر در درون خلق کرد شده و بورژوازی ملت ستمگر در بین سیاستهای استیلا جویانه و ضعف طلبانه خویش از طرفی اکثریت قریب به اتفاق این خلق را همچون تمامی کارگران و زحمتکشان خلقهای سراسر ایران تحت ستم طبقاتی قرار داد و باعث تشدید محرومیت اجتماعی و فقر خانسه خرابی آنها گردید و از طرف دیگر سرمای سرکوب همه جانبه این خلق رزنده در جهت احماء و نابودی فرهنگ و زبان آن کمر هم بست و بدین ترتیب ستم ملی را در تمامی ابعادش بر این خلق رزجیدید و روا داشته. ستم ملی همه جانبه بورژوازی ملت ستمگر و با توجه به ویژگیهای آن که ضجر به محرومیت همه جانبه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خلق کرد شده. موجبات آنرا فراهم آورد که مسئله ملی در مسائل این خلق که به لحاظ اجتماعی و فرهنگی و تاریخی خود دارای ویژگیهای خاص خود است قرار گیرد. بطوریکه حل هر مسئله ای

بد آزادی نخل در تعیین سرپرست خویش یعنی قائل شدن آزادی برای هر خلق تا سرحد جدائی و استقلال کامل . فقط طبقه کارگر تا بدین حد به عمیق و وسیع به مکراسی پایبند است چرا که طبقه کارگر مکراسی بیش از هر چیز نیازمند است . اصلاً نباید فراموش کرد که مکراسی نیز به طبقه کارگر نیازی حیاتی دارد .

آزادی خلقها جمله خلق کرد به آزادی ایران و آزادی ایران به وحدت داوطلبانه خلقها ساکن آن در رابطه متقابل بوده و همه اینها به طبقه کارگر میبندد خورد ه اند . والا بویژه با توجه به بحران همه جانبه سیاسی - اقتصادی عمیق جامعه ایران که بدین یک دگرگونی اساسی و بنیادی در تمامی سطوح و ابعاد قابل حل نیست و با توجه به اینکه طبقات غیر پرولتر قادر به انجام چنین دگرگونیهای نییافتند و در عین حال نمیتوانند عمل را در این جامعه بحران زده - حتر در شکر ، محدود بورژوازی آن - به مکراسی پایبند باشند ، لا محاله وحدت خلقها با سر نیزه تامین خواهد شد و حکومت سر نیزه مساوی است با ستم ملی واقعیت اینست که مکراسی واقعاً در ایران بدین همزونی پرولتاریا بدست نوی آید . برجستگی این واقعیت وقتی روشن میگردد که بخوبی درك شود پرولتاریای سراسر ایران که نه تنها از ستم ملی نفعی نمی برد بلکه خود بعنوان بخشش بیشترین از جمعیت حلقهای سراسر ایران با این ستم رنج میبرد بحران نهج تسبیح و شراز ، خنثیای تحت

واقعیت ایستکه وحدت خلقهای ساکن ایران همواره با سر نیزه تامین شده و همین سر نیزه بود که تا کنون محرومیت و ستم ملی همه جانبه را بر اکثریت این خلقها و ضحله خلقی کرد تحمیل نمود . اما برای شکستن همین سر نیزه نیروی عظیمی خلقهای تحت ستم که در آنحساب داوطلبانه آنها متجلی میشود نقش تعیین کننده ای دارد . بهمین دلیل پیوند داوطلبانه خلقهای سراسر ایران برای شکستن سر نیزه استبداد ستم ملی و طبقاتی ضرورتی حیاتی دارد . و ناگفته پیداست ستم طبقاتی و ستم ملی و سر نیزه باینکه دیگر خورشید و وحدت دارند . اما اگر این سر نیزه بشکند ضامن پیوند خلقهای سراسر ایران چیست ؟ طبقه کارگر نمای خلقهای ایران چرا که تنها پرولتاریا است که بیش از هر طبقه خواهان وحدت - آنهام وحدت داوطلبانه - خلقها و بیانگر منافع مشترک اکثریت توده اهالی هر یک از این خلقها است . طبقه کارگر که پیروزی خود را در وحدت و نه در تعرفه میبیند هیچ نفعی از شقه شقه شدن خلقها نمیبرد . از انبوه قتل و ستم محکمی براء و وحدت داوطلبانه خلقها است . تنها طبقه کارگر است که از ستم ملی نفعی نمی برد چرا که در جهان امروز هر جاستی باشد شامل حال پرولتاریا نیست می شود . اما وحدت داوطلبانه خلقها قبل از هر چیز در گرو اعتقاد عمیق به مکراسی است و مکراسی در برخورد با مسئله ملی یعنی قائل

را بدلیل کمیت و کیفیت خود به مرحله کسب خواهد نمود و از طرف دیگر طبقه کارگر برای د مکراسی بیش از تمامی طبقات و اقشار جامعه احترام قائل است و بدان ارجح می نهد .

شرط لازم د مکرات بودن در ایران امروز عبارتست از نهراسیدن از حاکمیت شوراهای مردم و در این میان د مکرات انقلابی آنست که از گام برداری در راه استقرار شوراهای حاکمیت مردم یعنی از مستگیری سوسیالیستی نهراسد . بی تردید جنبش کمونیستی - کارگری وظیفه خویش را در راه ایجاد حاکمیت شورائی و در جهت همزمنی پرولتاریا انجام خواهد داد و بیشترین تلاش را خواهد نمود درجه د مکرات بودن افراد و نیروهای سیاسی بره رابطه با این تلاش مشخص میشود .

کمونیستها و طبقه کارگر تشکیل شوراهای پایه ای حاکمیت مردم را مشروط به همزمنی طبقاتی خویش نمیکنند و این بنوبه خود بیانگر واقعاً د مکرات بودن آنهاست . از زاویه همین اعتقاد عمیق و همه جانبه و نیاز به د مکراسی است که کمونیستهای ایران خواهان حکومت شورائی یعنی همان د مکراسی توده ای برای ایران هستند . تنها تحت چنین حاکمیتی است که ملل تحت ستم ایران میتوانند به آزادی دست یابند و خواستههای خود را

زحمتشان سراسر ایران عملاً و بالفعل میتواند نیروی عظیمی را برای استقرار و پاسداری از د مکراسی گرد آورد . تا اینجا بحث بر سوسیالیست استقرار سوسیالیسم - بعنوان عالیترین شکل د مکراسی - نیست . برای اثبات این امر کافی است روشن نمائیم که بدلیل شرایط اقتصادی - اجتماعی ایران و ویژه خلقهای تحت ستم ساکن آن و وزن بالای اقشار زحمتکش غیر پرولتر امکان استقرار بلافاصله سوسیالیسم وجود ندارد ، بلکه بحث بر سر استقرار د مکراسی است . اما د مکراسی چیست ؟ د مکراسی عبارتست از حاکمیت مردم .

حاکمیت مردم چگونه اعطال میشود ؟ از طریق هدایت و نظارت روزه مردم و این امر تنها از طریق شوراهای مردم ازبائین ترین سطوح - در محل کار و زندگی - تا بالاترین سطوح - به دست گیری قدرت دولتی - امکانپذیر است . واقعیت تاریخی حاکمیت پارلمنتاریستی - که یکی از صور حکومت بورژوازی است - به وضوح ضد د مکراتیک بودن خود را حتی در د مکراتیک - ترین کشورهای بورژوائی به اثبات رسانیده . طبقه کارگر بدلیل وزن کمی و کیفی خود بیشترین استفاده را از حاکمیت شورائی خواهد برد و به همین دلیل بطور پیگیر از آن دفاع مینماید . چراکه تردید ندارد حاکمیت د مکراتیک شوراها

خود مختاری برای خلق کرد، د مکراسی توده ای برای ایران

جامه عمل بیوشاند .
از طرف دیگر اگر استقرار د مکرسی توده ای گامی است بلند در جهت آزادی خلقهای تحت ستم ایران و تلاش هر یک از این خلقها در جهت استقرار چنین حاکمیتی در ایران و تسلائی خواهد بود در جهت آزادی ورهائی خود .
چنین تلاشی چگونه باید صورت گیرد ؟ بی تردید در جهت ایجاد پایه های حاکمیت شوراهادر درون صفوف خلق ستم دیده .
• بمبارت دیگر خلقهای تحت ستم و ضحمله خلق کرد با پایه ریزی حاکمیت شورائی در میان خود و در پیوند با شوراهای حاکمیت دیگر خلقها زمینه ساز ایجاد حاکمیتی دمکراتیک در ایران خواهند شد .
• بدین ترتیب رهائی ملی با رهائی مسلسل ایران پیوند خواهد خورد و با تاثیر مثبت متقابل هر دو .
• و خه رهائی و دستیابی به آزادی و دمکراسی را مستحکم خواهد ساخت .
• طبیعی است کمونیستها و پرولتاریای تمامی خلقهای ایران در این میان بیشترین نقش را داشته و باید آنها را ایقانمایند .

خلق کرد کمپین پرجمعیت ترین خلقهای تحت ستم ایران بوده و حدود شش سال است در دفاع از انقلاب علیه ضد انقلاب جمهوری اسلامی ایستادگی می کند در این میان نقش عظیمی بر عهده دارد .
• این نقش و حتی بطور مثبت و برجسته میتواند ایفا شود که از هم اکنون و برای پیشبرد همین مبارزه حق طلبانه تود .
• های مردم سازماندهی شوند .
• تشکلهای

توده ای ، برای استحکام صف انقلاب را نیز از هم اکنون باید بی ریخت و حکومت کردن را از هم اکنون گام به گام به توده های مردم آموخت .
شوراهای پایه ای حاکمیت را نیز باید از هم اکنون بی انگند .
• این توده های مردم ضد کب انقلاب را به پیش می برند و حق حاکمیت دارند ، باید بدون پیش شرط قرار دادن برای حاکمیت مردم ، برای دمکراسی ، بدون توسل به این استدلال که مردم هنوز توانائی حکومت کردن را ندارند و بدون تنگ نظری های گسرو .
مدارانه زمینه را برای شرکت هر چه بیشتر توده های مردم در انقلاب و حاکمیت آنها فراهم آورده تنها در چنین صورتی است که خود مختاری ، این حق مسلم خلق کرد میتواند در شکل حاکمیت شورائی به حاکمیت دمکراتیک توده ای (حاکمیت شورائی) در ایران کنکند .
نداید و بدین ترتیب ضمن استحکام پایه های دمکراسی واقعی در درون خلق کرد ، که با رأی خود محق است محدود و خود مختار را تعیین نماید ، تضمین واقعی برای آزادی و رهائی این خلق قهرمان از زیر ستم ملی و طبقاتی فراهم آورد .

دمکراسی ، یعنی حاکمیت مردم را با این ریزی حاکمیت شورائی بطور واقعی گرامی بداریم و در راه استقرار آن بکوشیم .
• تنها در اینصورت خلق کرد میتواند خود مختاری مطلوب خود را در ایرانی آزاد و دمکراتیک ، بدور از هرگونه ستم ملی و طبقاتی بدست آورد .

کدام پیروزی؟

اکنون نزدیک به ه ماه است که جنگ پس از هرجام بین حزب دمکرات و کومه له، نفسای سیاسی کردستان و روند حرکت جنبش خلق کرد را بر زیر تاثیر عواقب شوم و مخرب خود برداشته است. فقدان واقع بینی و در نظر نگرفتن الزامات و منافع جنبش انقلابی کردستان، اینده بیرو را آنچنان در موضع عدم انعطاف نسبت بیکدیگر و انتشاری بر روی سیاست های غلطی که نتیجه اش بروز و تدام این درگیریها بود، است قرار داده که آنها هرگونه آمیدی بیه پایان یافتن سریع درگیریها را به یاس بدل ساخته اند.

اثرات مخرب این جنگ که هر روزه جنبش مقاومت را ضعیف تر کرده و آنها را از مسیر امیدوارانه محرف نموده و دشمن مشترک خلق کرد، یعنی رژیم جمهوری اسلامی را تقویت میکند بر کتر کسی پوشیده است. این جنگ اثرات زیانباری بر روی روحیه مردم کردستان بجای گذاشته و مبارزات یکپارچه آنها را بر روی رژیم فقهالطامات جدی وارد کرده است برای درک این واقعیت بدیهی و نیازی به نیبوغ و وسعت دید فوق العاده وجود نداشته و تمامی مردم شهرها و روستا های کردستان آنها را بایست و گورشت خود لمس نمود و هر روزه بر ادامه دشمنان این جنگ گوشزد نمیکند.

اما از سوی دیگر حزب دمکرات و کومه له تمامی تلاشهای خود را بکار میگیرند. کسبه این حقایق را از گونه جلوه داده و پسرده بر روی سیاست های انحرافی خود بکنشند تا بدین ترتیب سیاست های راکه زمینه ساز این جنگ و تدام آن است را توجیه کسمبجوده و همچنان دنبال کند. لازمه توجیه کسب کردن و تعقیب نمودن این سیاست ها نیز پوشاندن حقایق از طریق ارائه تصویری موهم از سرانجام این جنگ است. از این سو و حزب دمکرات و کومه له، پنهان یا آشکار دست یابی به پیروزی را ثمره این جنبش قلمداد نموده و این هدف موهم را پیش روی خود قرار داده و رسیدن به آن را بمردم نیز وعده میدهند.

کومه له بر پایه اعتقاد خود مبنی بر نمایندگی و بورژوازی دانستن حزب دمکرات و نمایندگی و پرولتاریا دانستن خود و مابینسندی بر آشتی ناپذیری این دو نیرو در مبارزه جاری کردستان و دنبال نمودن این سیاست در اقدامات روزمره خود، زمینه اصلی بسروز چنین درگیریهایی را فراهم نموده است. بی شک اگر حزب دمکرات را یک نیروی ضد انقلابی بیندازیم و تعقیب چنین سیاست های برانمیتوان اقدامی جنگ افروزانه تلقی کرد، اما از آنجا که این تحلیل و براتیک منبعت از آن، با واقعیات پیکار خلق کرد همخوانی ندارد، دیگر در این مسئله که سیاستهای جنگ افروزانه کومه له

عامل اصلی بروز چنین درگیریهای است
 تهدیدی باقی نخواهد ماند .
 اگر از ابتدای درگیریهای بین این دو
 نیرو، شرکت منفی آن قابل رویت نموده ، اکسون
 پس از گذشت ۵ ماه از آغاز این جنگ خونین
 و بروز بسیاری از نتایج مخرب آن ، واهی بودن
 تصور برکات و ضمانت که سیاست اتخاذ شده
 توسط کومه له تحت عنوان " تفرض مقابل " ،
 بدنیال خواهد داشت بخوبی خود را نشان
 داده است و قاعدتا باید این انتظار را نیز
 داشت که کومه له قبل از هرکس بدین حقایق
 دست یافتباشد . با این همه کومه له چشم خود
 را بروا تمیات بسته و یا سعی میکند که واقعیات
 را از چشم دیگران پنهان دارد و هم چنان بر
 صحت تصورات اولیه خود پافشاری میکند
 کومه له پس از خروج از اکثر مناطق و محدود
 شدن به جنوب کردستان ناگزیر شده است
 برنامه های راکه میخواست در رابطه با مبارزات
 مردم و سازماندهی توده ها و ... در پیش گیرد
 و حداقل در طول درگیریهای کنونی تعطیل
 کند . افت حضور در عرصه مبارزه مسلحانه در
 برابر رژیم جمهوری اسلامی نیز برکسی پوشیده
 نیست و حضور آن در این عرصه ، بموارد معدود
 زگاها تعیلی محدود گذشته است . ارسوری
 دیگر درهاکسته و زخمی و لطمات جدی تر
 دیگر کومه له از این جنگ خانمانسوز بوده
 است . تخریبات انفجالی و تردید در پایداری
 و تمایل بر زمین گذاشتن سلاح در صفوف

بیشمرگان از برجسته ترین لطماتی است که
 طی این دوره خودنمایی کرده است . با این
 وجود کومه له بجای اتخاذ سیاست های
 که بتواند زمینه پایان یافتن درگیریها را تقویت
 کند قدمی بیشتر نهد و آشکارا تدام کشت
 و کشتار داخلی و بیروزی موهوم حاصله از آنرا
 تبلیغ میکند . نمونه ای از این تبلیغ و تهییجات
 جنگ افروزانه کومه له را در سرمقاله پیشروی
 شماره ۷ (ارگان کومه له) میتوان مشاهده کرد .
 عبد الله مهته ی در این سرمقاله سنگ تصلم
 گذاشته و آنچه در جنته داشته را برای تجزیه
 بیشمرگان کومه له بکار بسته است . حتی از یاد
 آوری فنون نظامی نظیر تحرك و تمرکز و تهور
 و ... نیز بهره گرفته است تا با تزلزلاتی که در
 صفوف نیروهایش نسبت به این جنگ بردرکنسی
 ایجاد می شود مقابله کند . برای این جنگ
 برادرکنسی عظمی مافوق تصور قائل شده
 و بیروزی بر حزب دمکرات را فتح الکبری کسه
 سرزشت طبقه کارگر و انقلاب در سراسر ایران
 (و حتما از این طریق در سراسر جهان) را رقم
 خواهد زد مینامد . اما کدام بیروزی کومه له
 توانایی تابود کردن حزب دمکرات را ندارد و
 خود نیز حداقل چنین ادعایی را بطور علنی
 مطرح نکرده است . خواست آتش بس آ ن
 خواستی است که کومه له هم اکنون بدنیال آنست
 و چون تحقق این امره در فضای کنونی ناممکن
 شده میکوشد که درین یک جنگ فرسایشی سه
 این هدف دست یابد . اگر آتش بس در ای

چنین ثمرات عظیمی است که کومه له دست یافتن به اهداف خود را از طریق آن دنبال میکند، پس دیگر چه نیازی به آن جنگ افروزیها بود که پس از این همه لطامات دست یافتن به آن ممکن گردد. کومه له فکر میکند که پس از پسر افروختن جنگ داخلی، تحت عنوان "بسا اصطلاح" تعرض متقابل و با دست یافتن به آتش پس به پیروزی دست یافته است، در حالیکه بدین ترتیب تنها عدم احساس مسئولیت خود را نسبت به جنبش انقلابی خلقی کرد با ثببات رسانده است. دست یافتن به آتش پس نسبه پیروزی بلکه جلوگیری از شکست و لطامات هر چه بیشتر و تلاشی برای تحقق آن نشان دهند و شکست سیاست های جنگ افروزانه است.

اما خوب د مکررات که عدم رعایت اصول و ضوابط، مکرراتیک مبارزه انقلابی از طرف آن، یکی دیگر از عوامل برجسته ایجاد زمینه درگیریهای اخیر است در این گیرودار، دنبال چیست؟ این حزب در طی پنج ماهه اخیر قدم در راهی گذاشته است که کومه له از ابتدا در آن راه می پیمود و پتان ندان به قطع درگیریها و اعلام آتش پس عملایه دنبال روی سیاست های جنگ افروزانه کومه له تبدیل شده و در شرایطیکه کومه له (با هر انگیزه ای) خواست بر حق مردم کردستان، یعنی قطع درگیریها را بدست و حزب د مکررات با یافشاری بر روی ادامه درگیری به عامل اصلی ادامه دهند و جنگ داخلی تبدیل شده است.

اگر در ابتدا این تصور برای حزب د مکررات وجود داشت که میتواند کومه له را نابود کند و حوادث چند ماهه اخیر نشان داد که این تصور با واقعیات موجود در شاقص آشکار است. البته اگر تحقق چنین هدفی ممکن نیز بوده و موفقیتی برای جنبش انقلابی بحساب نمی آمد چرا که نابود کردن نیرویی که در کنار مردم و با دشمن مشترک آنها مبارزه میکند و نه کسب موفقیت بلکه وارد کردن ضربه بر دیگر جنبش انقلابی و تضعیف آنست. پس از روشن شدن اینکه نابود کردن کومه له ممکن نیست و حزب د مکررات تلاش خود را در این جهت که کومه له را بنطاق معینی محدود نماید بکار گرفته است. این حداکثر چیزی است که حزب د مکررات با ادامه دادن به جنگ با کومه له میتواند بدست آورد و چنین امری نیز نتیجه ای جز تضعیف جنبش را به همراه نخواهد داشت. حاصل محدود شدن کومه له، بازتر شمسدن دست رژیم جنایتکار خمینی در تعرض بیشتر به توده هاست و بدین ترتیب جنبش انقلابی و مردم کردستان و ضربه و شکست بیشتری را از دست یافتن حزب د مکررات به این حسدند و متحمل خواهند شد.

حزب د مکررات پیش از هر کسی بر تاثیرات منفی این درگیریها بر روند حرکت خویش آگاه است. علاوه بر اینکه آفت شدید پیشرفت برنامه ها در رابطه با مبارزات مردم کردستان و پائین آمدن بیش از حد حضور در عرصه

مبارزه مسلحانه و از دست دادن و مجروح شدن بسیاری از پیشمرگان در محمل لططات بسیاری شدن و شامل حال حزب دمکرات نیز شده است و تقابل این حزب با خواست مردم و تمامی نیروهای انقلابی و یعنی تقابل با خواست قطع نفوذی در گریه‌ها نیز برای عوارض افزوده شده و این مجموعه حزب دمکرات را در موقعیت ناساسی قرار داده است. باین همه حزب دمکرات همچنان بر ادامه در گریه‌ها پسا فشاری میکند.

در این جنگ برادر کشی پیروزی وجود ندارد و هر اندازه این در گریه‌ها بدراز کشیده شده و افزایش یابد و بهمان نسبت و جنبش انقلابی خلق کرد تضعیف خواهد شد. پایان هر چه زودتر این جنگ یعنی جلو گیری از شکست و لططات هر چه بیشتر و حزب دمکرات بهمان نسبت که بر روی تداوم این در گریه‌ها و خود داری از بند برش قطع در گریه‌ها پافشاری نماید، مسئولیت لططات بیشتری که بر جنبش انقلابی خلق کرد وارد می‌آید را بعهده خواهد داشت.

امروزه نوعی یاس و دلزدگی در بین مردم کردستان در حال گسترش یافتن است. این یاس نتیجه تمکین توده‌ها به حاکمیت دشمن نیست و رشد جنبش توده‌ای و بازترین گواهی این امر است. مردم کردستان در توان و اراده خود نیز دچار تردید نشده‌اند بلکه سؤالی که بر ذهن اکثرشان سنگینی میکند اینست که

فردای پیروزی و بجه نیرویی باید اشکاکند و اینها که امروزه در گروه و کمر بجان یکدیگر رحمی نکرد و ربه ضافع و خواست مردم پشت میکنند و فردا بر سر یکدیگر و سرزمینشان چه خواهند آورد؟ آیا اینها کردستان پاک شده از نیروی دشمن را برای این میخواهند که در محیط بازرگانی بر سر یکدیگر بیوروش بیاورند و آیا ما فرزندان خود را برای این بصفوف پیشمرگان می‌فرستیم که تفنگشان قلب یکدیگر را نشانه رود؟ سؤالاتی از این دست است که ذهن مردم کردستان را بخورد و مشغول کرده و این احساس که برای این همه فداکاری و حمایت چندین ساله شان پشت یازده شده و بر اعضادشان خیانت شده است را در بینشان تقویت میکند. طرفین در گریه نیز بجای فهم واقعیات و اصلاح مواضع غیر اصولی که حاصلی چون جنبش در گریه‌ها را ندارد و سراب پیروزی در این جنگ برادر کشی را بر مردم کردستان وعده میدهند. غافل از اینکه اگر مردم کردستان بجنبش وعده‌های موهوبی دل خوش میکردند و جنبش مقاومت خلق کرد نمیتوانست تا بدین حد بر روی پای خود بایستد و خیلی قبل از این در برابر انواع وعده‌های تو خالی که در مراحل مختلف به مردم کردستان داده شده است سر تسلیم فرود می‌آوردند.

بی‌گمان جنبش خلق کرد بیشتر از همه به وجود معیارهایی که بر پایه آنها به اصول

آوارگان جنگی در شهرهای مذکور و بطور عموم در کردستان ابعاد وسیعی به خود گرفته و هم‌اکنون به یکی از مسائل مهم تبدیل شده است .

ماتاکون در مقالات مختلف شماره های قبل این نشریه توضیح چگونگی بیماری‌های اخیر صدمات و لطمات ناشی از آن و دیگر نتایج جنگ و . . . پرداخته ایم . با توجه به ادامه وضعیت موجود در وسعت و تداوم مسئله آوارگان شهرهای فوق الذکر ، این موضوع از اهمیت خاصی برخوردار گشته است . و از این رو توجه به این واقعیات ، بیشترین فعالیت انقلابی در میان آنها و تلاش برای سازماندهی مبارزات آنها باید مدنظر قرار گیرد . همواره مبارزات توده‌های علیه ستمگرها و فشارهای حکومتی ضد انقلابی خود را در شرایط مشخص ، خصوصاً در مقاطعی که این ستمگرها به نحو شدید تر بر میان تری خود را می‌نمایند زمینه پیدایش و گسترش بیشتری میابد . مسئله مبارزات توده‌ها علیه جنگ به عنوان یک تالیس خود را در اشکال گوناگون مینمایاند . در این رابطه مسئله آوارگان جنگی بعنوان یکی از نتایج تداوم جنگ که به همراه خود بخش وسیعی از اهالی شهرها را زیر فشارهای شدید قرار میدهد ، به نحو بارزی عرصه ای است از تقابل مضمون خواستها و مبارزات توده‌های با ادامه جنگ و حاکمیت جمهوری اسلامی . به این خاطر مسئله آوارگان جنگی بعنوان مسئله بخشی از

آوارگان، قربانیان . . .

بیماران شهرها به عنوان آخرین شکل تداوم جنگ ، در دو اواخر ابعاد وسیعی به خود گرفته است . هم‌اکنون بیش از سه سال است که آتش جنگ - بیمارانش و حملات موشکی - بخش وسیعی از خاک و کشور را در بر گرفته و زندگی را از اهالی شهرهای آن مناطق غصب نموده است . تعداد زیادی از شهرهای ایران مداوماً زیر ضرب حملات هوایی و موشکی قرار گرفته و در این بین خسارات جانی و مالی بسیاری را متحمل گشته اند . طی چند دوره بیماری‌های حاد و تپید باران مداوم ، بخت از شهرهای کردستان خصوصاً شهرهای بانسسه پیرانشهر و سردشت متحمل بیشترین لطمات گشته اند . شدت و تداوم حملات هوایی و میزان خسارات ناشی از آن شرایطی را ایجاد کرده است که عملاً زندگی را در شهرهای فوق نامشکن ساخته و آنها را به حالت تعطیل در آورده است . هم‌اکنون بیش از یک ماه است که دیگر شهر بانه بطور کلی خالی از سکنه است و اهالی پیرانشهر و سردشت نیز به میزان وسیعی دست به تخلیه شهرهای خود زده اند . اهالی این شهرها برای نجات جان خود از خطر حملات هوایی و تپید بارانهای شدید ، آنگاه به روستاهای اطراف پناه برده اند . از این رو با توجه به ابعاد این مهاجرت ها و تداوم وضعیت موجود مسئله

تودها که بد نسبت سایی در شرایط مشخص کونی زیر فشار مستقیم ترنایش از تدام جنگ بوده و از اینرو دارای زمینه مساعدی برای پیوستن به صف مبارزه علیه جنگ هستند باید مورد توجه قرار گیرد. تبلیغ و ترویج و سازمانگز تودهای و رهبری مبارزات آنها در مناطق که حیات سیاسی و اجتماعی آنها از پیچیدگیها و دشواریهای برخوردار میشود معنای دقیق تر و همه جانبه تری پیدا میکند.

اهالی شهرهای یانه و سردشت و بیرانشهر در روستاهای اطراف شهر پراکند شده اند. استقرار آنها در روستاهای ضطقه مجموعاً شرایطی جدیدی را ایجاد میکند که باید دقیقاً آنرا شناخت و متناسب با آن و برای بهره گیری از امکانات مناسب و تدارک راه حل برای مشکلاتی از پیش برآمده داشت. استقرار پراکند آوارگان در مناطق روستایی در عین حال که کاهش توان کنترل و مقابله را به همراه دارد ولی امکان تاسهای نزدیک و تدام را تا حد زیادی تقلیل میدهد. در این رابطه باید در فکر پیدا کردن راه حل هائو برای حفظ ارتباطات سابق و تامین راههای برای تدام آن و ایجاد ارتباطات و هماهنگی تدام در بین آنها بود. در کنار این و پراکند شدن اهالی آوره شهرها در مناطق روستایی

و ایجاد امکان تاسهای گسترده و و تدام دسته های سیاسی - نظامی نیروهای پیشمرگه با آنها و امکانات وسیعی را در اختیار ما قرار میدهد. در چنین شرایطی میتوانیم در بسیاری از روستاهای ضطقه و مراکز تجمع آوارگان گذشته از پیشبرد وظایف عمومی سیاسی خود در رابطه اهالی مناطق محرومتهای مشخصی از برخورد و فعالیت خود را در ارتباط با سازماندهی مبارزات آوارگان متکی به همین امکان عملی نمائیم.

همچنانکه فوقاً نیز متذکر شدیم آوارگان بر مبنای شرایط خاص خود از زمینه بسیار مساعدی سرر پیشبرد امر تبلیغ و ترویج سیاست - های انقلابی در راستای بسیج توده های علیه جنگ و جمهوری اسلامی برخوردارند. مسلماً ما باید سیاست و برنامه های خود را در برخورد با آنها بر مبنای درک شرایط و مسائل و خواست های مشخص آنها در عین حال جهت دادن آن در راستای اهداف سیاسی مبارزات توده ای یعنی اعتراض علیه جنگ و مبارزه برای تحمیل صلح تنظیم نمائیم. اولین و مهم ترین وظیفه ما افشاکری علیه جنگ و تمامی مظاهر آن و افشاکری علیه جمهوری اسلامی بعنوان ادامه دهند ه جنگ و تبلیغ ایده صلح طلبی در بین آنهاست. وظیفه ای که در شرایطی بسا

سرنگون با در رژیم جمهوری اسلامی ایران

برخورداری از حداقل امکانات میتوان آنسرا
 عدلی نمود. مسئله وخواست آوارگان در کوتاه
 مدت و خاتمه یافتن وضعیت فعلی و فراهم
 شدن شرایط مساعد برای بازگشت به شهر و خانه
 و زندگیشان است. ولی در کنار این برای تمامی
 آنها بیرون آمدن خواست با سر نوشت نهائی جنگ
 و امر صلح واضح و آشکار است بهم از اینروست که
 در موارد متعدد این مضمون ذمیت تود و ها
 و خود را در عرصه عدل به شکل اعتراض علیه
 جنگ رژیم اسلامی نشان میدهند. از سوی
 دیگر شرایط مشخص معیشت و گذران سخت و
 پرمشقت آوارگی خود دارای مشکلات زیادی
 است و مسائل متفاوتی را بهمراه خود دارد.
 محرومیت از امکانات زندگی گذشته و برخورداری
 از کمترین امکانات ادامه زندگی در شرایط
 جدید و مشکلاتی چون کمبود و گرانی ارزاق و
 حداقل مایحتاج روزمره و کمبود محل اسکان
 و... و دهها مشکل دیگر معیشتی و دشواری
 هائی هستند که عموماً بعنوان مسائل صنفی
 و گذران روزمره و ابعاد وسیعی از مسائل
 آوارگان را تشکیل میدهد. دست و پنجه نرم
 کردن با این مشکلات و اولین نتیجه عینی آوارگی
 است و لزوماً وجه اشتراک همه آوارگان بر مبنای
 شرایطی که در بالا ترسیم شد با اتکاء به روحیه
 تعرض تود و ها وظیفه ما اساساً سازماندهی
 مبارزات آوارگان در راستای مبارزه علیه جنگ
 و علیه رژیم اسلامی است. ما باید بتوانیم متکی
 به ذمیت آماد و آوارگان و بهره گیری از

شعارهای درست و به موقع و با استناد و از
 لحضات و فرصتهای مناسب و بی اعتسالی و
 نقابله های موردی و انفرادی و اعتراضات
 پراکنده و نیمه عینی آنها را به مرجی مستحکم
 از مبارزه علیه جنگ تبدیل نمائیم. در عین حال
 با توجه به وضعیت مشخص آوارگان یعنی ابعالی
 واقعی و گسترده مسائل معیشتی و نمیتوانیم
 بدون توجه به این مسئله سیاست درست را در
 برخورد با آنها اتخاذ نمائیم. آنها برای
 تأمین معیشت و گذران روزمره خود همواره
 با مشکلات فراوانی روبرو هستند. ما باید بتوانیم
 در عین حال که عمدتاً تلاش خود را مطلقاً در
 ارتقاء و هدایت مبارزات آنها قرار دهیم ولی
 در کنار آن برای تنظیم و هدایت امورات روزمره
 آنها و برای هدایت کردن خواستهایشان در
 راستای اعمال فشار بر رژیم اسلامی و برنامه
 داشته باشیم. اما آنچه که مسلم است هدایت
 مبارزات آوارگان و پیشبرد سیاستهای انقلابی
 در این رابطه مسلماً بدون ایجاد تشکلهایی
 برای رهبری مبارزات آنها عینی نخواهد بود.
 ما نباید به تبلیغ و انتشارگری صرف بسند و کیم
 باید تلاش خود را در این بگداریم که متناسب
 با شرایط جدید و وضعیت مشخص هر یک از
 مناطق و مراکز استقرار آنها و متکی به شناخت
 و اتباطهای گذشته دست به تلاش برای ایجاد
 تشکلهای تود و های بزیم. تشکلهائی تود و ای
 در بین آوارگان تشکل هدایت مبارزات مشخصاً
 بقیه در صفحه ۳۱

طی عملیات دلیرانه پیشمرگان . . .

صبحگاه روز دوشنبه ۲۰/۳/۶۴ مزدوران جمهوری اسلامی مستقر در منطقه بانه و تعداد زیادی از نیروی ضربت خود را روانه پایگاه تخلیه شده تازه بان نمودند تا مجدداً آنرا با اثر کنند. این نیرو که از قبل برای غنیمت کارآماده شده بود در ساعت ۶/۵ صبح به پایگاه منور رسید و در آن مستقر شده و به استحکام کردن سیستم دفاعی آن مشغول شدند. پیشمرگان قهرمان و فدائیان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) که در منطقه حضور داشتند در ساعت ۷/۵ صبح از ورود مزدوران مطلع شده و بلافاصله به مواجیک دسته پیشمرگان ارتش‌رهای بخش خود را به بلند پهای نزدیک پایگاه رسانده و یکمین مزدوران نشستند. پیشمرگان تعرض خود به مزدوران را که در اطراف و پشت خاکریزهای دور پایگاه مستقر شده بودند در ساعت ۸/۵ صبح آغاز کردند.

مزدوران مستقر در اطراف پایگاه که قدرت مقابله با تعرض برق آسای پیشمرگان را نداشتند، خود را به پشت خاکریزهای پایگاه رسانده و از آنجا بمقابله با پیشمرگان پرداختند. در ساعت ۹/۵ صبح، تعداد زیادی از پیشمرگان حزب دموکرات، خود را به منطقه درگیری رساندند و درگیری با شدت هرچه تمام‌تر ادامه یافت. آتش سریع و بی‌امان پیشمرگان، امکان هرگونه عکس‌العملی را از مزدوران سلب نمود. بود و در ساعت ۱۰/۵ صبح شدت درگیری به اوج خود رسید. پایگاه بطور کامل بمحاصره پیشمرگان درآمد و مزدوران مستقر در آن، دائماً از پایگاه‌های مجاور تقاضای کمک میکردند. اما هوشیاری پیشمرگان و استقرارشان در مناطق حساس دور پایگاه، امکان کمک رسانی به مزدوران بمحاصره افتاد را از دشمن گرفته بود.

بالاخره در ساعت ۱۱ و ۴۵ دقیقه، صف مقدم پیشمرگان به دستور فرمانده عملیات و به هدف تسخیر پایگاه، خود را به پشت خاکریزهای پایگاه رسانده و جنگ نازنک یا مزدوران پرداختند. هر نازنک پیشمرگان جان هرک، تعدادی از مزدوران را به هلاکت میرساند و رگبار بی‌امان پیشمرگان دیگر، مزدوران را در تنگای سختی قرار داده بود. بدین ترتیب تعداد زیادی از مزدوران در محوطه پایگاه کشته شدند و تعدادی نیز از خاکریزهای پشت پایگاه به فرار گداشته و در پشت سنگ‌های اطراف پایگاه مستقر شده، به مقابله با پیشمرگان پرداختند.

در ساعت ۱۲ با ورود اولین دسته پیشمرگان به درون پایگاه، باقیمانده مزدوران کشته و اسیر شدند و باقیمانده آنها نیز که در پشت پایگاه به درگیری با پیشمرگان ادامه میدادند، طی

مدت کوتاهی بهلاکت رسیده و با به اسارت پیشمرگان درآمده اند .

پیشمرگان پس از فتح کامل پایگاه به جمع آوری غنایم برداخته و یک ماشین توپتای دشمن را در محوطه پایگاه به آتش کشیده و واسرا را از آنجا منتقل کردند . در این درگیری که ۳/۵ ساعت بطول انجامید هیچگونه آسیبی به پیشمرگان وارد نیامد و تنها چند تن از پیشمرگان جراحات سطحی برداشتند .

• • •

۷

مجموعاً ۴۴ تن از مردوان در این درگیری بهلاکت رسیدند که اجسادشان در صحنه نبر و باقی ماند . نام و مشخصات ۴۴ تن از آنها که مورد شناسایی پیشمرگان راه کارگزار گرفتار عسارت است از آنجا

۱- ستوان سوم سید جلال صالحی	اهل کرج	تکاور (نیروی مخصوص) و فرمانده پایگاه
۲- گروهبن دوم احمد طاری	شیراز	" " " "
۳- " " " " سلیمی	تهران	" " " "
۴- " " " " ابراهیم اسزاری	تبریز	پیاده
۵- " " " " رازوش	تهران	مین یاب رسته مهندسی
۶- علی باقریور	اهل لرستان	سرباز
۷- صاحبی فرید	اهدان	" " " "
۸- علی پناه صادقی	" "	" " " "
۹- پال ورقاسمی	تبریز	" " " "
۱۰- برات ندائی	" "	" " " "
۱۱- خیرالله جوادی	اهدان	" " " "
۱۲- علی جعفرزاده	تبریز	" " " "
۱۳- محمد جلالی	خوزستان	" " " "
۱۴- جابریعادی	" "	" " " "
۱۵- شیوین علی دریائی	اهدان	" " " "
۱۶- علی نامور	مشهد	" " " "
۱۷- علی بزرگدخت	تبریز	" " " "
۱۸- علی سرحدی	بند عباس	" " " "
۱۹- غلامرضا هکاری	اهدان	اهل بندعباس سرپا
۲۰- محمد زارع	" "	" " " "
۲۱- ناد علی صفوی	شیراز	" " " "
۲۲- علی بختیاری	" "	" " " "
۲۳- حمید ربارانیان	بندعباس	" " " "
۲۴- احمد جعفری	تبریز	" " " "
۲۵- علی ناصری	" "	" " " "
۲۶- محمد فراست	گلبایگان	" " " "
۲۷- علی مرادی	" "	" " " "
۲۸- یاقوب قاسمی	تبریز	" " " "
۲۹- روح الله فیضی	" "	" " " "
۳۰- یارعلی	" "	" " " "
۳۱- وحید نقوسانی	اردبیل	" " " "

عبدالله میرزایی	اهل اردبیل	سریاز	۳۹- توکل خانی	اهل تبریز	سریاز
یدالله شاکری	رشت	.	۴۰- حسین نامور	کاشان	.
محمدرضا جمالی	بوئسهر	.	۴۱- حسن عبدالحی	بندرعباس	.
محمد بختیاری	شاهرود	.	۴۲- سیاب نجفی	-	.
رضان بهرام فر	همدان	.	۴۳- عادل اسدی	-	.
علی صفری	-	.	۴۴- علی شعبانی	تبریز	.
حکمت الله رحیمی	همدان	.			

۱۶۰ تن از مزدوران نیز به اسارت پیشمرگان درآمدند که نام و مشخصات ۴ تن از آنها کجبه
ظ پیشمرگان راه کارگراسیر شدند از این قرار است :

- ۱- گروهباندوم حمزه خوش اندام اهل نسا تکاور
- ۲- کاظم استادی
- ۳- رستم عبدالحی
- ۴- حبیب فرخی

نفرجهایم بخلت جراحات سختی که برداشته بود پس از مداوا توسط پیشمرگان راه کارگر در
خ ۶۴/۳/۲۲ آزاد گردید .

مقادیریزادی نیز غنایم بدست پیشمرگان افتاد که در این بین غنایم پیشمرگان راه کارگر
بست از :

- ۱- آر . پی . جی ۷
- ۲- ۳ پی قنطاق
- ۳- مین یاب الکتریکی
- ۴- بیسم پی . آر . سی
- ۵- موزیک آر . پی . جی
- ۶- مقادیریزادی قشنگ و خشاب و وسایل نظامی دیگر .

سزنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران !

پسر قرا ربا د جمهوری دمکراتیک تود های !

پیروز باد مبارزات عادلانه خلیق کرد !

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته کردستان

در سهایبی از . . .

... ساحلی (مسقط) را از تپه سرزمین عمان که بوسیله سلسله کوهستانی از هم جدا میشد و تجزیه نموده و به اشتغال خنسو د در آورد. اهمیت این سرزمین با گشایش کانال سوئز که راه دریائی اروپا به هند و آسیا راهزاران کیلومتر نزدیکتر میساخت بیشتر شد و در سال ۱۸۷۱ به موجب قرارداد بی هتورکی سلطان مسقط تحت الحظیه بریتانیا قرار گرفت و سلطان عثمانی مجبور شد توحات بریتانیا در عمان و سایر نواحی شبه جزیره را به رسمیت بشناسند.

بایده پیش نفت در حوزه خلیج فارس بعنوان غنی ترین منبع انرژی عمان و رقابتها امپریالیستی بر سر تصرف انحصار بر منابع بیکران نفت و گاز که در میان حمایتی جهان غرب را تشکیل میدهند فزونی یافت و عمان نیز از این کشمکش هابرکنار نماند. بخش ساحلی عمان که حکام دست نشانده بریتانیا تحت عنوان سلاطین مسقط بر آن حکومت میکردند، مدخله امپریالیزم در چار و گرتویهای گردیده بنادر تجاری آن توسعه یافت و شهرنشینی کم رویش رویش گرفت و همواره با این تحول جدید زحمکش شهریه بعنوان قشر اجتماعاتی جدیدی موجودیت یافتند. در کشاورزی علاوه بر دهقانان که به شیوه های سنتی مسورد

استثمار فئودالها قرار داشتند بهره گیری از کار مزدوری بهمهه بیکاری و بکارگرفتن بردگان بیشتر رایج شد و بورژوا - کیرادورها بعنوان یک قشر جدید اجتماعی جای خود را در جامعه باز کردند.

اما در بخش کوهستانی و صحرائی سرمایه داری نتوانست نفوذ کند. در این مناطق تولید همچنان بطور عمد به بردمندی و گلگه داری مبتنی بود و کشاورزی بطور محدود و جنبی انجام میگرفت. قدرت سیاسی بشیوه سنتی "خلیج" - امامت - در دست روسا و شیخ قبایل متمرکز بود که در راس همه آنها "امام" منتخب شورای شیخ و رؤسای قبایل عمان میشدند. برخلاف مسقط و عمان هرگز به تصرف بیگانگان در نیامد و از اینرو سنتهای عمده ای و روابط پدرسالاری و نهاد امامت همچنان در آنجا پایداری میکند. همه این عوامل با ضافه اختلافات قبیله ای و فرقه ای که بدعه، از طرف رؤسای قبایل نیز در آن زنده میشد کینه ای عمیق در دل مردم عمان نسبت به حکام دست نشانده و بعضاً نسبت به مردم مسقط بوجود آورد. در این جامعه عمده ای - فئودالی و دهقانان و چوپانان و مردم زحمتکش در انداز صحراگرد اکثریت جمعیت و رؤسای قبایل و فئودالهای صاحب زمین و مرتع دار. همواره اعوان و اسلطان و قطب بهره کس را تشکیل میدادند. منطقه عمان علیغیر از رگیرها و رقابتهای امپریالیزم

به بعد جریان امام "غالب" کوشش داشت بسا استفادہ از حمایت دیپلماتیک اعراب از طریق سازمان ملل متحد، استقلال عمان ونتیجتاً "امامت" خود را نجات دهد، اما ناسیونالیست ها که بر جنبش توده ها تکیه داشتند سرانجام در روز ۱۱ ۱۹۶۵ از اتحاد سه سازمان "سرازان انقلابی ظفر"، انجمن خویسه ظفر" و "جنبش ملی عربی" جبهه آزاد یخش ظفر را تشکیل دادند، که پس از برگسارای نخستین کنگره خوش، در روز نهم ژوئن همن سال مبارزه مسلحانه را در کوههای ظفار آغاز کرد.

جبهه آزاد ی بخش ظفار با پیش ناسیونالیستی ملهم از "ناصریسم" که برجهان عرب آن روزگار سایه افکند، بود مبارزه سیاسی نظامی را آغاز کرد و بزودی به مہترین سازمان سیاسی عمان و مقسط مبدل شد. استقبال توده های مردم از جبهه کم نظیر بود. علت روی آوردن توده های خلق به جبهه را بایسد در چند زمینه جستجو کرد:

الف - ناسیونالیسم جدید شخصی با امپریالیزم، برانداختن سلطه بیگانگان از سرزمینهای عربی و مبارزه برای کسب استقلال از هنگام بقدرت رسیدن افسران آزاد به رهبری جمال عبدالناصر در مصر در صدر مبارزات جهان عرب قرار داشت و جنبش ظفر هم از ایمن مسئله برکار نیبود.

ب - شرایط ویژه قومی - تاریخی با اشاره

آمریکا وانگلیس بر سر تصرف منطقه "نفت خیز" بوریس، که تا سال ۱۹۵۸ ا طول کشید خود مفتاری و استقلال خود را حفظ کرد. رقابتهای امپریالیستی با انگلیس بر سونفت حوزه خلیج فارس در این سالها باید یوقتن سہمی برای فولامه و سهم برتر برای آمریکا به پایان خود نزد یک شد و از این رود ست بریتانیا بسرای لشکوکی، این منطقه و شکست ملک سعود و استیلای سعید ابن تیمور، سلطان مسقط نشاند، مسقط عمان برای تصرف "بوریمی" و سپس تصرف بر سراسر عمان باز شد. لشکوکی سلطان مسقط به عمان و تصرف نزار توسط سپاهیان انگلیسی بود که جنبش ضد امپریالیستی خود بخودی مردم عمان جوانه زد.

امام "غالب"، پیشروی مذہبی - سیاسی عمان، فاقد ارتش منظم بود. اما بین ۲ تا ۳ هزار نفر از افراد داوطلب ازوی حمایت میکردند و ضمناً "از حمایت نظامی و مالی عربستان و مصر هم برخوردار بود.

گمنگنوش مبارزه و پیسدایش

جبهه آزاد یبخش

از هنگام استیلای سلطان سعید دست نشاند، در جریان برای مبارزه در راه آزادی و کسب استقلال عمان بوجود آمد. یکی جریان امام "غالب" و دیگر جنبش بود که عمدتاً خود بخودی بود و بعد مدد سازمان های ناسیونالیستی متجلی گردید. از سال های ۱۹۶۰

شد که مردم عمان در طول تاریخ استقلال خویش را حفظ کرده و تن به تسلیم نداده بود. روح سلطنتی و خصمتهای قبیله‌ای به مواج حفظ سنتهای مذهبی، قومی یکی از عوامل قابض ملاحظه در گرایش روسای قبایل و گله‌داران به مبارزه ضد پیگانه بود.

ج - ستم مضاعف ملی - طبقاتی، کسبه و دهقانان و زحمتکشان و پرولتاریا را بسمت انقلاب گسیل می‌داشت.

د - شیوه حکومت سعید دست نشانده که روش‌های قرون وسطائی را اعمال میکرد و از هرگونه رفوی سرباز میزد و موجب شده بسود انتشار هرچه بیشتری از مردم رود روی حکومت قرار گیرند.

ه - شکست ناسیونالیسم عربی ناصر و انصراف‌های وی از حطیت امام - غالب، جنبه آزاد ییخس را بمنوان تنها سازمان مبارز توده‌های عمان در آورد.

اما مہتر از همه اینها شیوه عمل انقلابی جنبه ظفر بود، که توانست مبارزه گستوده توده‌ها را سازمان داد و، بیانگر خواست‌های تاریخی - سیاسی و اجتماعی آنان باشد. جنبه در مناطق آزاد شده دست به کار ساختن مدارس و روانگه‌ها شد و برای نخستین بار به آموزش کودکان و بزرگسالان عضو جنبه پرداخت. آموزش سیاسی توده‌ها و آگاه‌سازی طبقاتی دادن به آنها همرا با مطالعه مبارزات

خلفتهای ویتنام، الجزایر، چین وین در دست کار قرار گرفت.

کوشش برای حل مسئله زمین و تقسیم عادلانه مراتع در نواحی آزاد شده از مسائلمهمی بود که کفایت ولیات جنبه را برای توده‌ها در دستر مبارزات سیاسی و واقعیت اجتماعی نشان میداد.

شکست اعراب در ژوئن ۱۹۶۷ از اسرائیل ناسیونالیسم عربی را بیش از پیش زیر علامت سوال قرار داد و پیروزی جنبه آزاد ییخس یعنی در بربرون ریختن انگلیسی‌ها از عد و کسب استقلال که مارکسیست‌ها آن وزنه قابل ملاحظه‌ای بودند، همراه با ادامه پیروزیها در ایالت ظفر، جنبه را برآن داشت تا میان طبقاتی و گسترش مبارزات در مکراتیک را تقویت نماید. بطوریکه در رکگره در جنبه که در "خبرین" واقع در رمن در مکراتیک برگزار گرد تزه‌های مارکسیست‌ها بدوخته شد و همین امر موجب خروج ناسیونالیست‌های افراطی از جنبه گردید.

کم و کم "حرمین" اگرچه نقطه عطنی در تارخ سیاسی نه تنها عمان بلکه خلفتهای منطقه بود زیرا رهبری پرولتاریا برای انقلاب در مکراتیک ضد امپریالیستی و بدویش تزه‌های جهانشمردلنین در امر انقلاب ملی و امکان گذاران انقلاب ملی به سوسیالیسم را فراهم می‌ساخت و بیند جهانشمرد مارکسیستی را جایگزین در بدگامی‌های تنگ نظرانه و بورژوازی ناسیونالیست

فی نمودند، اما ما سناغه يك اشتباه فاحش تا -
 یخ هم بود. زیرا اعلام چنین جزو خشن آید شو
 - لوزيك خلیل بی موقع بود، بخصوص اگر توجه
 شود که در یمن د مكراتيك علی رغم وضع بهتر
 پرولتاریا ضمیمه پرولتاریا، مارکسیستها تا ده سال
 پس از کسب استقلال و تداوم انقلاب د مكراتيك
 و گذار به انقلاب سوسیالیستی از اعلام سریع
 موضع آید لوزيك بدلیل تبلیغات سود شمان
 طبقه کارگر، امتناع داشتند چه روی جبهه
 که بعد از کنگره "جبهه خلقی برای آزادی عمان
 و خلیج" اشغال شده "تغییر نام داد، باعث
 شد تبلیغات ضد کمونیستی تحت عنوان دفاع
 از اسلام توسط ارتجاع منطقه گسترش یافت و
 بخشی از ناسیونالیستها که تا ۱۹۷۰ بسا
 جبهه همکاری میکردند در این سال دست
 به انشعاب بزنند. (۱)

ریشه انحراف آید لوزيك چه رابط طور
 خلاصه در سه زمینه مشخص میتوان بیان کرد:
 الف - شکست ناصریسم که با بیان و فرمیسم
 و هزنوع سوسیالیسم تخیلی در جهان عسرب
 بحساب می آید.

ب - پیروزی جبهه آزاد ییخشی یمن که
 مارکسیستها نقش تعیین کننده ای در آن
 داشتند.

ج - مهر و یا لاثراز همه الهام

از مائوئیسم بود که جبهه خلقی برای آزادی عمان
 نیز مانند دیگر جنبشهای منطقه در شرایطی
 پدید آمدند که حزب کمونیست چین خود را حامی
 اصلی نهضت های رهاییبخش اعلام کرده و ظاهراً
 "درباره یونیسف خروشنجینی از منافع پرولتاریا
 و خنهاد نفع میکرد اما این جنبشها ما سناغه
 تنها" چه "را" یادداشت در حالی که راست
 روی مائوئیسم را که زوی سکه مائوئیسم
 بود د یوتراز موقع دریافتند. تا سال ۱۹۷۲
 که فضاخت خیانت روزیونیه ستهای جینیسی در
 سازش با امپریالیستها در سطح جهانی و
 ارتجاع منطقه ای در خاورمیانه آفتابن شسبده
 نهضت رهاییبخش عمان نه تنها به کمکهای مادی
 بلکه به تئوری های اجرایی حزب کمونیست چین
 و د ريك مکانیکی از کسب هژمونی در جبهه وابسته
 بسود.

اج گیری انقلاب خلقی عمان در دهه ۷۰
 که با پیروزی خلقهای هند و چین همزمان
 بود امپریالیزم را به اتخاذ سیاست جدیدی
 و داشت و آن سیاست "ویتنامی کردن" بود
 بر اساس این سیاست امپریالیزم از مداخله
 مستقیم خود داری کرد و ارتجاع منطقه ای
 را بجای خویش یکسار گرفت. ناتوانی
 انگلیس در دهه ۶۰ در رفسرو
 نشان دادن انقلاب د رایالست

مرگ برامپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا

تسریح حرکت امیرالینم برای "بیان دادن" با
جهت عمان بود.

از سال ۱۹۲۳، ارتش مزد ورشاه با پیشرفت
ترین جنگ افرارهای نظامی باحطیت ارتش
بریتانیای مستقر در عمان و کنگه مزدوران
حسین، علیه انقلابیون عمان وارد گرزار شد.
تنگ های مدین چ یفتن، توپخانه ۵۵ میلی
ترکیبا حملت هلی کوترهای توپ دار و بمب
های فانتوم با بهره گیری از پایگاه های نظامی
امیرالینم در صلاه، مسقط و جزایر کورو
موری، مصیره و دیه کوکار سیده وحشیانه
ترین تهاجم نظامی را علیه انقلابیون پسر
انداختند. امیرالینم سیاست زمین سوخته
را در ریش گرفت؛ روستاها و مناطق کشاورز
زیر شدیدترین بمبارانها قرار گرفت، مزار
بابب با تنش کشید و شد و دام ها بارگیا رسک
ها و راکت ها نابود شدند. بسیاری از هد
نان و گله در اران همتی خوش را از دست
دادند و رهسپار مناطق "اص" تحت سلطه
دشمن شدند و پس از ناکامی در شهرها
رهسپار مناطق دیگر خلیج فارس و شیخ نشین
منطقه گردیدند. هرچند واحد های مونتاس
و مؤسست اداری و خددماتی چندی در مناط
تحت سلطه دشمن پدید آمد اما اینها
جوابگوی انبوه مردمی که یا تحت تاثیر تبلیغ
و یا زیر فشار بمبارانها، بد لجا روی می آورد
نبود. جیبه خلق از ۱۹۲۶ به بعد عقب
نشینی تاکتیکی را در برابر این تهاجم یکبار

ظفر باعث شد که پس از تحویل شکستهای
پیاپی، سعید این تیمور با کودتای ۱۹۲۰
برکار و فرزندش قابوس را که در بریتانیا آموزش
دیده بود جایگزین وی سازد. بحران جهان
سرطایه داری که پیش از همه گریبان امیرالینم
انگلیس را گرفته بود زیر فشار جنبشهای
بخش و آنرا وارد اربه خریج از شرق سرسوز کرد.
خریج بریتانیا از منطقه خلائی ایجاد کرد که
میایست یزودی پر شود. جویان این خلا
قدرت و خود را از یکسود سرهم بندی کردن
اتحادیه ای از شیخ و امیران متعصب و منسوب
خلیج فارس نشان داد و از سوی دیگر با مساج
کردن نگاه خائنی بعنوان زاندارم منطقه
نمودی دیگر یافت.

کودتای ۱۹۲۰ که با این تحولات همزمان
بود توانائی امیرالینم را در برکار گرفتن دیپلازوی
ضد انقلابی رزم و سرکوب نشان داد. سرآغاز
این رزمها برکاری سعید بین تیمور خریدن
رومای تبایل، ایجاد مدارس برای فرزندان
لبنیا و فراهم ساختن زمینه رشد فاسد
سرمایه داری وابسته بود. ۱۹۲۳^{چنگ}، اعزاب و
اسرائیل و مجموعه شلیط حاصل از آن و افزایش
بهای نفت، ارتجاع منطقه خجبه شاه خائن را
اعتباری مؤتی بخشید و حلیت منطقه ای لازم
را برای قابوس دست نشاند را فراهم ساخت.
پیدا این نفت در وطن که توسط شرکت
"شل" استخراج می شد و توسط رزند گمان
جیبه خلق قطع گردید و بود انگیزه دیگری در

و در هر آورد گاه، ه ه ه ه ه گ کرد تا هر دو بتوانند د
بی انتفاع گسترش یابند بر کارائی استراتژیست
خود بیفزایند * (۳)

جبهه آزاد یخش عمان از لحاظ تبد یسل
جنگ چریکی به جنگ تود ه ای موفق بسود ه ه
بطوریکه توانست د رایالت ظنر بموقعیت های
شایانی نایل آید و به استثنای صلا له سرکبزر
ظنار که با سیم خارد ار و تانکهای مسدن
محاظقت میشد، تمام ایالت را یا ۱۰ درصد
خلك آن و ۲۰۰ هزار جمعیت آزاد ساخت
اما جبهه از لحاظ پشت جبهه ای قوی و

رخنه د ر شهرها و نقش مهمی که شهر میتوانست
در گسترش انقلاب د اشته باشد توانست
همه هنگی لازم را ایجاد کند . جلیپ میگوید
" بنیان مواضع مستحکم د رضاطق کشاورزی،
پی گرفتن نبرد خلق د زواحی روستائی و
شهری بسط و د آمیختن د قیق رخنه های
تعرض علیه دشمن باید بر اشکال ضاسب و
د رنرسه منطقه استراتژیکی ه کوه ها، دشت، عا
شهرها میتنی باشد . میاید مبارزه سلیسی
را با مبارزه نظامی ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه
صحنه نبرد را از شهر به کوه و دشت و از
دشتها به شهر و کوه کشانید ه و مبارزه نظامی
را با فعالیت د کراتیک تود ه ای ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه
ساخت." (۴) اما جبهه با اهمیت جلیو ه
د ان مبارزات د کراتیک تود ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه
به جنگ جبهه ای ه د رحالی که د ر بهترین
موقعیت خود بیش از ۲۰۰ هزار جنگجو

امپریالیزم و مزد وران د اخلی محلش د ر پیش
گرفت و د ری این عقب نشینی ها که کامسلا
نیز موجه بود از ۱۹۷۷ د ر صد د تند و سیسن
استراتژی جدیدی که متناسب با تغییرات و د گر
گونی های د ر ساخت اجتماعی بود، برآمد .
زیرا بد نبال گسترش د ر جی مناسب سرمایه
د لری وابسته ه وزن پرولتاریا ونیمه پرولترها
د ر ساخت اجتماعی جاضه بالا رفته ه بورژوازی
وابسته به برکت سرمایه های امپریالیستی و
د لارهای نفتی شیخ منطقه ه نضج بیشتری
میگرد . (۲)

د رس های که میتون گزنت

اینک د ر شرایطی که جبهه خلق برای آزادی
عمان د رحال سازمانده ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه
تحکم پایگاه خود د ر میان طبقات و قشرهای
نوین اجتماعی است ه مروری بر د رسهای اسال
مبارزه خلق عمان میتواند پاسخگوی مسائلی
باشد ه که کم و بیش مبتلا به همه جنبشهای مشابه
است :

۱- جنگ تود ه ای

" جنگ چریکی باید به جنگ ضظم بسط
یابد و این د و باید ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه
باشند . این قانون کل د ر نبرد د راز مدت
انقلابی است . مسطه رهبر نبرد، آگاهان بر
این امر است که کی و کجا جنگ چریکی به جنگ
منظم بدل شود و کی و کجا میتوان آنها را از
نزد یک و به تناسب د ر هر دو د ر هر

و بهره گیری از پیوند و یاریهای اردوگ—
سوسیالیست تاجه حد در امر پیروزی انقلا
د مکراتبک به سمت گیری سوسیالیستی آن
ویتنام، لائوس، و کامبوج. موش بود.

اما در این مورد در دریا پرتهاجم هم
جانبه امپریالیسم که به مباشرت شاه خائن ا
و ملک حسین مزدور انجام بگیرت جبهه خ
عددا از حمایت یمن دمکراتیک برخوردار بود
نتوانست از حمایت فمالتر کشورهای سوسی
لیست بهره برگیرد.

اهمیت این مسئله زمانی روشن میشود
در نظر بگیریم کل بودجه نظامی یمن دمکر
در سال ۱۹۷۴ و ۲۹ میلیون دلار برآورد.
در حالی که در همان زمان بودجه ارتب
آمریکای شاه که به حمایت از سلطان قاه
وارد عمل شده بود، ۵/۵ میلیارد دلار ی
این امر تا حدود زیادی بیانگر ضعف
با کشورهای سوسیالیستی و ضعف ارتباط
تکونیروهای انقلاب جهانی با انقلاب عمان
(نقل از "راه کارگر" دور اول، ص ۷۷)

۷۷- ۱۸ خرداد ۶۰)

زیر نویس:

- ۱- انقلاب ظفاره "جموده کرامه" ۷۶ و ۷۷ از
رات کمیته فلسطینی صفحه ۴۸
- ۲- نقل به معنی از مصاحبه رفیق عبدال
القاضی، از رهبران انقلاب عمان با مجله ا
۳ و ۴- نگین جیاب، نبرد آزاد بیخشن ویت

در اختیار نداشت و مرکب اشتباهات فاحشی
گردید که از برداشت الگوبردارانه از تـسز
محاصر مهنرنا توسط روستاها ناشی میشود و
اهمیت لازما به نقش تاریخی طبقه کارگر و
مبارزه در شهرها نمیداند.

۲- سیاست جبهه‌های

کمونیستهای ویتنام با وجود اینکه بنسوان حزب
طبقه کارگر تشکیل یافتند اما در مقاطع مشخص
تاریخی برای جلب توجه‌های همین پرست جبهه
های گسترده میهنی را تشکیل میدهند. ویت‌مین
در مقطع ۱۹۴۵ و ویت کنگ در مقطع ۱۹۶۰
اما مارکسیستهای عمانی بجای تشکیل جبهه‌ها
شرکت سازمانها و گروهها به کسب شرفی از
طریق تشکیل حزبی ناتوانی خویش را در اتخان
نرمش تاکتیکی نشان دادند، عدم نرمش
تاکتیکی بخشی از یاران و دوستان خلق را به سمت
اردو دشمن سوق داد و برخوردار ناصحیح با
روسای قبایل و متنفذان محلی که با فقدان تبلیغ
توده‌ای برای خشنی ساختن تبدیفات دشمن
همراه بود، بسیاری از آنان را طعمه دشمن
ساخت و روند توده‌ای شدن انقلاب را بعد
از ۱۹۷۰ با اشکال مواجه ساخت.

۳- نقش کشورهای سوسیالیستی

تجربه ظفر نمون انقلاب دمکراتیک— ضمد
امپریالیستی خلقهای هند و چین بخوبی نشان
داد که متکی بودن به نیروهای درونی انقلاب—
در درجه اول و بعنوان شرط مقدم پیروزی،

کدام پیروزی

... دمکراتیک احترام گذاشته شود نیازمند است معیارهایی که بر اساس آنها امکان واقع من مهاره سیاسی در بین نیروهای مردمی بوجود آمده و بدین ترتیب زمینه بروز چنین درگیریهایی بطور جدی از بین برود. اما برای دست یابی به چنین معیارهایی، قهصل اگر همه و پیش از همه، وجود فضای مناسب ضرورت دارد. در شرایطی که تشکله پیشمرگان پیوسته همدیگر نشان داده و هر روزه درگیری هاین بین نیروهای دو طرف رخ میدهد دست یابی به این معیارها ناممکن است. تبلیغات جنگ افروزان از طرف نیروهای درگیر هر روزه اوج بیشتری میگیرد. هر یک از طرفین، دیگری را به همکاری با جمهوری اسلامی برای ضربه زدن به نیروهای خود متهم میکند این یکی افتخار کشتن پیشمرکه دیگری را بخود نسبت میدهد و آن دیگری سعی میکند که چنین افتخاری را بحساب رژیم فقها بویزد و ... و مردم کردستان هر روزه شاهد دهها نمونه از این نوع تبلیغات سخیفتند. در چنین شرایطی نمیتوان به دست یافتن براه حلهای اصولی امیدوار بود. تنها با قطع تبلیغات جنگ افروزان و قطع فوری درگیریهاست که میتوان محیط و فضای مناسب را برای رسیدن به اصول و

معیارهای دمکراتیک فراهم ساخت. از این نظر مقدم ترین وظیفه طرفین درگیر اینست که به قطع فوری درگیریها و تبلیغات جنگ افروزان تن دهند تا شرایطی مناسب برای حل ریشه ای مسئله فراهم شود. کومه له فکر میکند که پس از برافروختن جنگ داخلی و تحت عنوان باصطلاح "تعرض مقابل" و با دست یافتن به آتش پس به پیروزی دست یافته است و در حالیکه بدین ترتیب تنها عدم احساس مسئولیت خود را نسبت به جنبش انقلابی خلق کرد باقیات رسانده است.

کمکهای دریافت شده

مستند	ع
ع	۱۲۰۰۰ تومان
ق	۵۰۰۰
ر	۵۰۰۰
مادر - ش	۳۰۰۰
رفیق - ح	۵۰۰
ن - الف	۳۰۰۰
رفیق - س	۵۰۰۰

اخباری از جنبش کارگری و تشوذه‌ای سراسری

به نقل از نشریات وابسته به سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

اعتماد به سراسر روزنامه کارگران قم — بهرمان
پیسرو نیسیل یسارس

تلاشهای ضد کارگری رانقش برآب ساختن عوامل رژیم فقها را در هفتاد مدیریت دولتی رسوا ساخته اند. از جمله در تاریخ چهارم ۱۳۶۲ کارگران در اعتراض به عدم پرداخت این ۷۰۰ روزمزدانه به یازده اعتصاب کوتاه مدت و موفقیت آمیز دست زدند. از اوایل دی ماه سال جاری کارگران برای حمایت از این اقدامات از پرداخت این ۷۰۰ روز حقوق به مسئولین بالا مرا جمع میکنند و جوابهای بالا و متناقض را دریافت میکنند تا اینکه عده‌ای از کارگران نزد مدیرعامل کارخانه رفته و خواستار روشن شدن تکلیف این ۷۰۰ نفر میشوند. مدیرعامل کارگران را به تسخیر گرفته و میگوید بجای ۲۰ روز ۴۰ روز به شما عیدی میدهم. این موضع بعد از اطلاع

کارخانه پیرونیل یارس تولیدکننده انواع پیرونیل و بنفش میباشد. این کارخانه در جاده مخصوص کرج واقع شده و قریب به ۴۰۰ نفر کارگر در این واحد تولیدی مشغول به کار میباشد. کارگران این کارخانه بنا به رسم همه ساله و در آستانه سال جدید علاوه بر ۲ ماه حقوق بعنوان عیدی ۷۰۰ روز حقوق نیز بعنوان پاداش دریافت می کنند و این ۷۰۰ روز اضافه حقوق در سایه مبارزات کارگران در دوران رژیم پیشین حاصل گشته است. اما گرچه بعد از انقلاب همین مقدار ناچیز عیدی بارها و بارها از سوی رژیم کارگر ستیز اسلامی و سه لطیف الحیل مورد دست اندازی قرار گرفته است. لیکن کارگران دلیر این کارخانه بسا مقاومت و اعتراضات یکپارچه خود تمام این

وی گوید " که از این حرکت افراد فرصت طلب بهره برداری میکنند و نباید دست به اینکارها زد " و ادامه میدهد که " شباهت سرکارتان باز گردید تا ما در مورد آن تصمیم بگیریم " . . . کارگران در همانجا اعتراض کرده و می گویند ما همینجا می مانیم تا شما تصمیم نهائی خود را بگیرید . و نتیجه هیئت مدیره اراده مصمم کارگران را مشاهده میکنند و می گویند که در حال حاضر پولی در ساط برای پرداخت نداریم اما قول میدهم که آنرا در اسرع وقت پرداخت نمائیم . آنگاه یکی از نمایندگان کارگران می گوید که ما هم قول شما را قبول نداریم پس لطفاً کنید و این قولتان را روی کاغذ نوشته و تک تک اعضای مدیریت نیز زیر آنرا امضاء کنید . تا سندیت لازم را داشته باشد .

مدیریت مخالفت می نماید ولی با فشار کارگران و ادامه حرکت ناگزیر به قبول ایسین خواست کارگران شده و تسلیم آن میگردد همچنین نمایندگان کارگران بار دیگر به مدیریت گوشزد می کنند که اگر زیر قولتان بزنید بار دیگر به سرافشان آمد و و این بار کارستان را یکسره خواهیم کرد . سپس در حالیکه علائم و نشانه های پیروزی این اعتصاب ۲ ساعته در چهره فرد فرد کارگران میدرخشید ، کارگران بسمت سالن غذاخوری حرکت کرده و این موفقیت را به یکدیگر تبریک گفتند .
(از اخبار رسانی " اتحاد کارگران) .

عمم کارگران خشم آنان را بر بی انگیزانده در پی مشورت کارگران با یکدیگر نفر از جانب کارگران بعنوان نمایند و انتخاب میشوند و روز چهارشنبه اول اسفند ماه ۶۳ نزد مدیر عامل میروند . مدیر عامل بار دیگر هلن اراجینف طسنة آمیز را تکرار کرده و میگوید بجای آروز ۴۰ روز میدهم و سپس باقیانفاه ای جدی میگوید " که نه خیر آقا عیدی بی عیدی " و نمایندگان کارگران نیز این سخنان مدیر عامل را بی جواب نگذاشته و با حضور خود در داخل سالن کارگران را دعوت به اعتصاب میکنند . سپس تمام کارگران بطوریکیارجه دست از کار کشید و پسوی دفتر مدیر عامل روانه میشوند و به ساختمان اداری هجوم آورده و اتاق کار مدیر را به محاصره خود در می آورند و پس از باز کردن در اتاق مدیر در همانجا متحصن میشوند . آنگاه یکسری از کارگران شروع به صحبت میکنند پس از دادن توضیحاتی در زمینه مشکلات زندگی کارگران و مصائب طاقت فرسای گرانی و تورم و . . . کارگران را به مبارزه برای گرفتن حق خود تشویق کرده و همچنین هرگونه افتراء و برجسب زنی از سوی مدیریت را افشاء و محکوم مینماید این سخنرانی کارگر مبارز با تأیید عموم مواجه میشود . اعضای هیئت مدیره که از یتانسیسل مبارزاتی و مقاومت متحد کارگران به هراس افتاده بودند عقب نشینی کرده و یکی از اعضای هیئت مدیره اجازه صحبت خواسته و کارگران را به . . . آرامش و بازگشت به کار دعوت میکند

ویران شده بود، شروع به دادن شمار های
علیه رژیم جنگ افروز می نمایند. مزد و ران
جنایتکار بسوی مردم تظاهرات کنند، تیرانداز
نموده ۵ نفر شهید و تعدادی نیز زخمی
میشوند. ۱۰۰ بزدوران سپس به تظاهرات کنند
حمله کرده و تعدادی را دستگیر میکنند.
کرنند غرب و

شهرستان کرنند غرب که در ۱۰۰ کی
متری باختران واقع شده است در بعد از ظ
استفاد برای اولین بار توسط هوایماها
عراقی بمباران میشود. مردم کرنند غرب خشم
نفرت خود را از رژیم جنگ افروز خمینی در
تظاهرات گسترده به نمایش میگذارند. مزد
رژیم اسلامی بسوی تظاهرات کنندگان تیرانداز
نموده و ۲ نفر را به شهادت میرسانند و سه
با بیروتی به صف تظاهرات کنندگان ۱۵ الی
نفران زاهدی را دستگیر می نمایند.

بروجرد

بدنبال حملات موشکی عراق به شهر
بروجرد که شجره شهادت حدود ۳۰ نفر
از اهالی و بیش از ۲۰۰ زخمی گردید و خد
قابل توجهی بیمار آورد، بهنگام خاک سپا
قربانیان این حادثه در گورستان شهر، م
بیک تظاهرات گسترده و با شمارهای ع

اعتراض کارگران شرکت
دخانیهات ساری
در تاریخ ۴ دیماه ۶۳ عده زیادی از
کارگران این کارخانه به منظور دریافت اضافه کاری
و افزایش دستمزد در محوطه کارخانه اجتماع
می نمایند. مدیریت کارخانه از پاسخ به خواست
کارگران طفره می رود، و با ایستادگی کارگران و
مرتبا کارگران دیگری نیز به آنها پیوسته و همگی
در اتاق مدیریت اجتماع میکنند. مزدوران
اداره کار برای خواباندن حرکت اعتراضی
کارگران و به منظور آنکه اعتصاب در کارخانه فرا
گیر نشود، با وعده و وعید و فریب کارگران را
مقتا. عدمیکند که به سرکار خود بازگردند تا
بعدا آنان به خواست کارگران رسیدگی نمایند.
(از اخبار ارسالی نشریه "پیام سرخ" مازندران
- وابسته به سازمان)

تظاهرات ضد جنگ

کرمانشاه

بدنبال بمباران باختران توسط هوایما
هلی عراقی در بعد از ظهر ۲۴ اسفند مردم
باختران در یکی از مناطق بمباران شدت جمع
نموده و در ضمن کمک و همیاری به مردمی که
عزیزان خود را از دست داده و خانه هایشان

پیش بسوی سازماندهی هژمونی طبقه کارگر

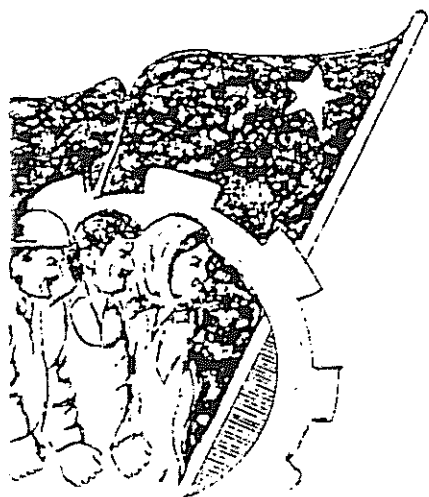
● مقام است انقلابی
 مردم ده نوسو (اضلع میان)
 محله "ده نو" در فاصله ۴ کیلومتری
 اصفهان واقع شده و پیش از ۵ هزار نفر جمعیت
 دارد. اکثریت اهالی را دهقانان و رشکسوز
 کارگران کارگاههای کوچک تشکیل میدهند.
 در حدود سه ماه پیش مردم این محله در
 اعتراض به کوبن های روستایی و خواست درایت
 کوبن های شهری به فرمانداری اصفهان مراجعه
 و خواسته های خود را عنوان میکنند. مقامات
 جمهوری اسلامی خواسته های مردم را ناپاییده
 گرفته و بعدت سه ماه هیچگونه پاسخی نمیدهند
 اعتراضات اهالی طی این مدت بصورت فردی
 و پراکنده انجام میگرفت. در تاریخ ۱۳/۱/۶۳
 حرکت متحدانه و یکپارچه اهالی زحمتکش شجر
 به پستی و ایجاد راه پندان در خیابانهای
 اطراف دروازه تهران - اصفهان میگردد. در
 این روز بیش از ۲ هزار نفر از مردم این محله
 شامل مرد و زن و پسر و جوان در وسط
 خیابان نشسته و صدای اعتراضشان را به
 گوش دیگر زحمتکشان میرسانند. زحمتکشان و
 خشم انقلابی خود را با واژگون کردن چند
 اتومبیل و سوزاندن تعداد زیادی لاستیک
 نشان میدهند. در ساعات اولیه خیزش
 انقلابی زحمتکشان و پاسداران سرمایست و
 جنایت و برای جلوگیری از حرکت توده ها و
 ضمنی در متفرق کردن مردم مینمایند که
 با مقاومت و عکس العمل شدید مردم زور و

زخم و علیه جنگ دست زدند. مردمی که در
 گورستان تجمع کرده بودند، در ایندها -
 خواست مقامات حکومت و مزدوران رژیم که
 میخواستند مردم را به دادن شعارهایی به
 نفع جنگ تحریک نمایند، کاملاً سکوت کردند و
 با سکوت خود مخالفت خود را با جنس
 خانمانسوز رژیم ولایت فقیه ابراز داشتند.
 اهالی بهنگام ترک گورستان با دادن شعار
 های علیه جنگ نفرت و انزجار خود را از رژیم
 جنایتکار و جنگ افروز به نمایش گذاشتند.
 مزدوران رژیم با حمله به صف تظاهرکنندگان
 تعدادی از اهالی را دستگیر نمایند.
 اصفهان

در اولین حمله سوابی و پاسبانان اصفهان
 توسط هواپیماهای عراقی و در خیابان آذری
 نیروی بیمارستان عیسی بن مریم ۴ الی ۵ نفر
 کشته میشوند. در همین هنگام نیروی
 شروع به دادن شعار و فحش به خمینی جنگ
 افروز مینماید که پاسداران بطرف او حمله
 برده و دستگیر مینمایند. مردم که شاهدند
 این ماجرا بودند با حمله و کتک زدن پاسداران
 مزدوران را مجبور به فرار مینمایند، سپس
 مزدوران رژیم با نیروی بیشتری بازگشته و
 مجدداً ببرد مردم زور را دستگیر مینمایند که
 از سر نوشت و اطلاعی در دست نیست.
 (به نقل از نشریه "راه کارگر" - ارگان سیاسی
 سازین - شماره ۱۲)

میشوند، رزم ناگزیر میگردد، سربازان و مامورین
شهریانی را بکلی یاسداران جنایتکار برای
باز کردن خیابانها و سرکوب توده، ناگسیل
دارد. اما مردم هر چه بیشتر صفوف خودشان
را فشرده ساخته و فضای سوشال از همبستگی و
همیاری در میان زحمتکشان بوجود میآید.
زحمتکشان بیکدیگر جای و شیرینی می دادند.
مردم جای خود را با شمارهای مرگ برخمینی
و مرگ بریاسدار صرف میکردند. مردم در
هنگام دادن جای میگفتند: "این را صرف کن
ولی سنگر را ترک نکن". این یک مبارز از میان
جمعیت شمار "یک مرگ یا قطع جفت" سر میدهد
مردم ۴۰۰، ۵۰۰ استیک را برای آتش زدن
در روزهای بعد آماده میکنند. بازتاب این
حرکت زحمتکشان بحدی بود که در سرکچه
و خیابان اصفهان از حرکت دلیرانه مردم "ده
نو" سخن میگفتند. مظان داران مشرف بسه
این محل مظانهای خود را جهت حمایت
و ابراز همبستگی با مردم "ده نو" بسته بودند
ماشینها چراغهای خود را به نشانه شادی و
ابرار همبستگی روشن میکردند.

در همان ساعات اولیه شروع مقاومت انقلاب
بی مردم، نمایندگان از طرف فرمانداری به
محل میآید. یکی از مزدوران فرمانداری میگو
ید: "ما در شرایط جفت هستیم و به نفس
اسلام نیست که چنین اعتراضاتی را بپراکند"
مردم با شنیدن حرفهای این مزدور، اعتراض
خود را شدت میبخشند و یاسداران جنایت به



و دانشی باید از ضرر نشدن اقدام نداشتید و مانع از طرق گوناگون برای رساندن نشریاتتان به منطقه شما تلاشمان را ادامه خواهیم داد.

امادر باره سوالاتی که پرسید هاید آیسنا شما خود مختاری را برای خلقهای دیگر ایران نیز درست میدانند یا سخ ما اینست که:

اساسی ترین یا سخ کونیستها به مسئله ملیت های تحت ستم و قائل شدن حق تعیین سرنوشت برای آنها وارد نمودن این مقوله در برنامه خویش است. خود مختاری یا استقلال یا... اشکال تحقق این حق می باشند که ملیت ها با برخورداری از حق تعیین سرنوشت امکان انتخاب آنها را بدست خواهند آورد. خود مختاری نیز وقتی مطرح میشود که اتحاد داوطلبانه آن ملت با ملیت های دیگر مطرح باشد و در چنین صورتی هر دولت دموکراتیکی باید پذیرش خود مختاری در مورد ملیت های تحت ستم را ضروری و بدیهی بداند و بدان تن بدهد. وقتی ملیتی تحت ستم ملی باشد و اتحاد داوطلبانه با ملیت های دیگر در باره اش مطرح گردد پذیرش خود مختاری در مورد آن امری حتمی و ضروریست. حال اینکه مسئله ملی برای مردم کدام منطقه مطرح است و خود مختاری را برای کدام منطقه باید برسمیت شناخت و ملاک تشخیص این امر چه کسی میتواند باشد باید بگویم که ملاک این امر تشخیص خود مردم، خواست و ضمن جنبش آنهاست. البته تشخیص اینکه مردم کدام منطقه مسئله ملی دارند مشکلی نیست و نتیجه

پاسخ به نامه ها

رفیق محمد علی ک

تلاش ما این است که نشریات سراسری و کمیته کردستان سازمان را بدست کلیه علاقمندان آنها برسانیم و آنها را بدست رس همگی قرار دهیم اما وضعیت کنونی مناطق کردستان و محدودیتهایی که ما بدلیل امکاناتمان داریم مانع از این میشود که چنین وظیفه ای را به بهترین نحو انجام دهیم. با این همه بر تلاش خود برای انجام بهتر این امر خواهیم افزود و امید داریم که بهتر از پیش قادر به انجام این کار شویم. آنچه میتواند در انجام اینکار یاری رساننده و آنرا هرچه ممکن تر نماید و کمک خوانندگان و علاقمندان این نشریه است. منظور ما از کمک خوانندگان نشریات سازمان این است که اگر آنها امکان یا آشنایان یا مسافری و هر نوع امکانی از این دست را به معرفت نمایند که بتوسط آنها ما بتوانیم نشریات را برایشان ارسال داریم و ما از طریق این امکانات و نشریات سازمان را بطور مرتب برایشان خواهیم فرستاد.

در مورد خود شما نیز اگر امکاناتی نظیر همین مورد که توسط آن نامه خود را برای ما ارسال داشتید، با معرفت کنید و رسانیدن نشریات بشما سهل تر خواهد شد. ایسنا مکانات چند موردی و اتقاقی باشد و چه نظم

آنهاست و بهمین دلیل نیز چنین شعاری را در بزنلحه خود گجانده و بر روی آن تبلیغ و برای تحقیق میارزه، خواهم کرد . در کردستان نیز با توجه بوجود مسئله ملی در اینجا و وجود جنبش خود مختاری طلبانه در آن مساعلاوه بر اینکه از حق تعیین سرنوشت دفاع میکنم ، از خود مختاری که خواست دمکراتیک مردم کردستان است ، دفاع و برای آن میارزه منهایم . در مورد مناطق دیگر ایران نیز مساعلاوه خود مختاری را برای ملیتهای تحت ستم دیگر مناطق ایران قبول داشته و ملاک تشخیص آنها را مردم خود این مناطق میدانیم .

پیشبرد و هدایت امورات زندگی آوارگان توسط خود آنها و کنترل و هدایت جمعی آن محوری است که بر مبنای فعالیت حول آن میتوان بخش و سهم از آنها را متشکل نمود ، آنان را با جلوه ای از کنترل و هدایت توده های آشنا ساخت و در عین حال از مجموعه امکانات وسیعی که این محور از سیاست ما فراغم میکند در خدمت تقویت محور اصلی - سازماندهی مبارزات آوارگان علیه جنگ - بهره جست . در پایان یاد آور میشوم که در کنار اتکال اساسی به تشکل مخفی برای هدایت مبارزات ، باید از هر گونه امکانات علنی در خدمت تقویت اولی استفاده نمود .

با تلاش برای سازماندهی مبارزات آوارگان جنگی و ایجاد تشکلهای توده ای ؛

در راه تحقق شعار سرگ پر جنگ ؛

زنده باد صلح ! بکشیم .

به معیارهای نظیر اقتصادیات ، تاریخ و جغرافیا و فرهنگ مشترک مردم منطقه ، میتوان آنها دریافت . اما با توجه به اینکه هر جا مسئله ملی مطرح باشد انعکاس خود را در خواست مضمون جنبش توده های آن منطقه باز خواهند یافت ، بدنبال مرجعی برای تشخیص وجود یا عدم وجود مسئله ملی در مناطق مختلف کشور گشتی ، غیر ضروری بوده و مرجع اصلی خواست مردم خود منطقه و جنبش توده ای آنهاست آن خواهد بود .

پس شعار اصلی ما در مورد ملیتهای تحت ستم ، حق تعیین سرنوشت برای

آوارگان قربانیان . . .

... و کنترل و سرپرستی امورات معیشتی و زندگی روزمره آنها . مسلما در شرایط فعلی تشکلهای توده ای را تنها متکی به جمعیتی مستحکم و مخفی متشکل از عناصر پیشرو و مبارز توده های میتوان سازمان داد ، باید مناسبترین افراد که دارای بیشترین اعتبار توده ای و توان مبارزاتی و هدایتگری هستند ، را جذب کرد و بر مبنای تجمع آنها ، هسته مستحکم را سازمان داد . هسته مخفی که با استمداد از حضور و ارتباط وسیعش در محیط زندگی توده های بهترین نحوی میتواند آنها را در مبارزات سیاسی و مسائل روزمره شان هدایت کرده و در عین حال متکی به همین پوشش توده ای خود را از نظر اهمیت ، به بهترین نحوی حفظ نماید . سیاست

در سهائشی از جنبش رهاشیببخش عمان

بسمه مناسبت ۱۹ خرداد، سالروز آغاز جنبش مسلحانه در ظفار

سرزمین سخت مورد توجه
استعمارگران قرار گرفت. بناتشدید
تضاد قدرتهای استعماری پیر سر
دست یابی بر سرتهای بیکران هند،
بریتانیا در صدد بستن راههای
ننوز برای این کشور برآمد و تصرف
واشغال کامل مناطق استراتژیک
عمان و جدا ساختن آنها از امپراطوری
عمانی در دستور کار خود قرار
داد. دست اندازی به نواحی
شروتمند ساحلی که علاوه بر
اهمیت استراتژیک و نظامی، اهمیت
اقتصادی هم داشت، شروع شد و با
استفاده از قدرت ناوگان جنگی و
خریداری حکام محلی، بخش
بقیه در صفحه ۱۰۲

عمان در پهنه تاریخ
سرزمین عمان با جمعیتی حدود ۲
میلیون نفر شرق شبه جزیره
پهستان را در بر گرفته و با مردم
جزیره العرب، پیوندی تاریخی و
دیرینه دارد. عمان به لحاظ موقعیت
استراتژیک خاص خود که مسلط
به تنگه هرمز و گذرگاه خلیج
فارس به اقیانوس هند است از دیر
باز همیشه مورد توجه امپریالیستها
بوده است. توسعه سرمایه داری
در غرب که با افزایش صدور کالاهای
و توسعه ناوگان تجاری و جنگی
همراه بود بر اهمیت عمان که
نزدیکترین پایگاه به هندوستان
بود انزود و به همین لحاظ این

صفحه ۱۱

به ۵۰ ریال

آوارگان قربانیان ندادوم جنگ

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر